



فقه الاداره (۲) فقه الانتخاب

سید مصمصام الدین قوامی

زمستان ۱۳۹۴

قوامی، سیدصمصام‌الدین، ۱۳۳۴-

فقه‌الاداره / سیدصمصام‌الدین قوامی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ بنیاد فقهی مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱.

ج. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۲۷ و ۳۲۶: مدیریت؛ ۱۰ و ۲۲)

ISBN: 978-600-5486-73-5 (ج ۱)

بها: ۸۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-103-5 (ج ۲)

بها: ۱۲۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-104-2 (دوره ۲ جلدی)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه ج ۲: ص [۲۹۳-۲۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

مندرجات: ج ۱: چستی و کلیات. ج ۲: فقه‌الانتخاب.

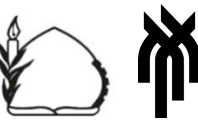
۱. مدیریت (فقه). ۲. مدیریت (اسلام). الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. بنیاد فقهی مدیریت اسلامی،

ج. عنوان

۲۹۷/۳۴۲

BP ۱۹۸/۶/م/۳۶ ق ۱۳۹۱

۲۹۵۱۷۳۰



فقه‌الاداره (۲): فقه‌الانتخاب

مؤلف: سیدصمصام‌الدین قوامی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: بنیاد فقهی مدیریت اسلامی

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر:

۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰ تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی:

قم: بلوار امین، کوچه ۸، کوی اسحاقی، پلاک ۶۲، بنیاد فقهی مدیریت اسلامی، تلفکس: ۰۲۵-۳۲۶۱۶۷۹۷

Website: www.fiim.ir

Email: nakhl-e-shahdad@yahoo.com

سخن ناشران

تبیین و توسعه انقلاب اسلامی، به منظور رسیدن به تمدن اسلامی، نیازمند علمی برخاسته از منابع وحیانی است و اگر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها بخواهند در گستره تاریخی و افق پیش روی نقش مؤثری در توسعه دانش جهانی ایفا کنند، نخست باید علمی برخاسته از منابع دینی را پی‌افکنند و آنگاه به ترویج و تبیین آن بپردازند و بدان عمل کنند.

مدیریت به عنوان علمی کاربردی، مفید و تأثیرگذار در عرصه اجتماعی با موضوع سازمانی، از جمله مهم‌ترین و ضروری‌ترین علوم به شمار می‌رود. از این رو، به عنوان علمی که در تمام شئون جمعی زندگی انسان‌ها حضور دارد، نیازمند اسلامی شدن است.

از میان اصیل‌ترین و مطمئن‌ترین روش‌های دستیابی به علم دینی، روش اجتهادی است که با سابقه دیرینه خود، راهی مطمئن پیش روی فهم منابع دینی می‌گذارد.

اثر حاضر دومین اثر در باب معرفی و ماهیت «فقه‌الاداره» است که به همت استاد گرانقدر، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصمصام‌الدین قوامی نگاشته شده است. این کتاب حاصل بخشی از درس خارج فقه‌الاداره ایشان در سال ۱۳۸۷ است که در قالب طرح پژوهشی در گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به ثمر رسیده و تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

خداوند را شاکریم که تحت عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام مطالب ارائه‌شده در جمع طلاب و با مشارکت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «بنیاد فقهی مدیریت اسلامی» که یکی از اهداف خود را تولید این‌گونه آثار قرار داده‌اند، جلد دوم فقه‌الاداره با عنوان فقه الانتخاب به زیور طبع آراسته شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

این اثر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های «علوم سیاسی» و «مدیریت» در مقطع دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات علوم اسلامی و اداری تهیه شده است. امیدواریم استادان و صاحب‌نظران ارجمند با راهنمایی‌های مشفقانه خود ما را در جهت رشد و ارتقای سطح علمی پژوهش‌ها و عرضه هرچه بهتر کتاب‌ها و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

در پایان، بر خود فرض می‌دانیم که از مؤلف گرامی اثر، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین قوامی و نیز ارزیاب محترم طرح حضرت آیت‌الله قربانعلی درّی نجف‌آبادی که با نظرهای علمی خود بر غنای این کتاب افزودند سپاسگزاری نماییم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بنیاد فقهی مدیریت اسلامی

فهرست اجمالی

۱	 اشاره
۳	 پیش‌گفتار
۵	 مقدمه

بخش اول: کلیات

۹	 فصل اول: روش‌شناسی
۲۱	 فصل دوم: مباحث آکادمیک انتخاب و گزینش

بخش دوم: واژه‌شناسی

۳۱	 فصل اول: الفاظ بهسازی
۶۱	 فصل دوم: الفاظ به‌گزینی
۹۱	 فصل سوم: الفاظ بکارگماری
۱۲۹	 فصل چهارم: الفاظ بکارگیری
۱۵۶	 جمع‌بندی واژگان گزینشی

بخش سوم: بهسازی

۱۶۱	 مقدمه
۱۶۵	 فصل اول: آغاز از طفولیت (حتی پیش از آن)
۱۶۹	 فصل دوم: استعدادسنجی
۱۷۹	 فصل سوم: آزمون‌های مکرر و هدفمند
۱۸۵	 فصل چهارم: امتنان و حمایت دائمی
۱۹۵	 فصل پنجم: محبوب‌سازی روشمند
۲۰۷	 جمع‌بندی اصطناع

بخش چهارم: به‌گزینی

۲۱۱	 مقدمه
۲۱۳	 فصل اول: گزینش اصلح
۲۲۹	 فصل دوم: حکم شرع در گزینش اصلح
۲۴۳	 فصل سوم: سؤال و جواب

بخش پنجم: نظریه و نظام

۲۵۹	 مقدمه
۲۶۱	 فصل اول: نظرات
۲۷۳	 فصل دوم: نظریه
۲۸۳	 فصل سوم: نظامات
۲۹۲	 خاتمه
۲۹۳	 منابع و مأخذ

فهرست تفصیلی

۱		اشاره
۳		پیش‌گفتار
۵		مقدمه

بخش اول: کلیات

۹		فصل اول: روش‌شناسی
۹		۱. فقه‌اللغه
۱۱		۲. فقه‌القرآن
۱۲		۳. فقه‌الحديث
۱۵		۴. فقه‌السیره
۱۸		۵. فقه‌الاداره
۱۹		مزایای این روش‌شناسی

۲۱		فصل دوم: مباحث آکادمیک انتخاب و گزینش
۲۱		مدیریت منابع انسانی
۲۲		ماهیت مدیریت منابع انسانی
۲۳		اهداف مدیریت منابع انسانی
۲۳		وظایف مدیریت منابع انسانی
۲۳		مراحل مدیریت منابع انسانی
۲۴		الف) مرحله فرایند گزینش: (قبل از آموزش)
۲۴		ب) مرحله فرایند آموزش
۲۴		ج) مراحل مدیریت منابع انسانی (بعد از آموزش)
۲۵		گزینش در مدیریت آکادمیک
۲۵		تعریف گزینش

۲۵	 مراحل فرایند گزینش
۲۶	 آموزش در مدیریت آکادمیک
۲۶	 تعریف آموزش
۲۷	 اهداف و دلایل منطقی آموزش
۲۷	 مراحل مختلف فرایند آموزش
۲۷	 کادرسازی
۲۷	 کادرسازی نقطه تلاقی میان فرایند گزینش و فرایند آموزش
۲۸	 جمع‌بندی

بخش دوم: واژه‌شناسی

۳۱	 فصل اول: الفاظ بهسازی
۳۱	 ۱. اصطناع
۳۱	 فقه اللغة
۳۲	 فقه القرآن
۳۴	 فقه الحديث
۳۶	 فقه السیره
۳۶	 الف) سیره معصومان
۳۷	 ب) سیره متشرعه
۳۸	 ج) سیره عقلا
۳۸	 فقه الاداره
۳۹	 ۲. اصطفاء
۳۹	 فقه اللغة
۴۰	 فقه القرآن
۴۲	 فقه الحديث
۴۴	 فقه السیره
۴۴	 الف) سیره معصومین
۴۶	 ب) سیره متشرعه
۴۶	 ج) سیره عقلا
۴۷	 فقه الاداره
۴۸	 ۳. اخلاص و استخلاص
۴۸	 فقه اللغة
۵۰	 فقه القرآن
۵۱	 فقه الحديث
۵۴	 فقه السیره
۵۴	 الف) سیره معصومان (علیه السلام)

٥٤	 (ب) سيره متشرعه
٥٦	 (ج) سيره عقلا
٥٧	 فقه الاداره
٦١	فصل دوم: الفاظ به گزینی
٦١	 ١. انتخاب
٦١	 فقه اللغة
٦٢	 فقه القرآن
٦٢	 فقه الحديث
٦٣	 فقه السير
٦٤	 الف (ب) سيره متشرعه
٦٥	 (ب) سيره عقلا
٦٦	 فقه الاداره
٦٦	 ٢. اختيار
٦٦	 فقه اللغة
٧٠	 فقه القرآن
٧١	 فقه الحديث
٧٤	 فقه السير
٧٤	 الف (ب) سيره معصومان (عليه السلام)
٧٥	 (ب) سيرة متشرعه
٧٦	 (ج) سيرة عقلا
٧٦	 فقه الاداره
٨٣	 ٦. اجتناء
٨٣	 فقه اللغة
٨٤	 فقه القرآن
٨٥	 فقه الحديث
٨٦	 فقه السير
٨٦	 الف (ب) سيره معصومان (عليه السلام)
٨٨	 (ب) سيره متشرعه
٨٨	 (ج) سيره عقلا
٨٩	 فقه الاداره
٩١	فصل سوم: الفاظ بکارگماری
٩١	 ١. جعل
٩١	 فقه اللغة
٩٢	 فقه القرآن
٩٣	 فقه السير

۹۳	الف) سیره معصومان (علیهم السلام).....
۹۵	ب) سیره متشرعه.....
۹۷	ج) سیره عقلاء.....
۹۸	فقه الاداره.....
۹۹	۲. نصب.....
۹۹	فقه اللغه.....
۱۰۱	فقه القرآن.....
۱۰۳	فقه الحديث.....
۱۰۳	فقه السيره.....
۱۰۳	الف) سیره معصومان (علیهم السلام).....
۱۰۴	ب) سیره متشرعه.....
۱۰۹	ج) سیره عقلاء.....
۱۰۹	فقه الاداره.....
۱۱۱	۳. تمكين.....
۱۱۱	فقه اللغه.....
۱۱۲	فقه القرآن.....
۱۱۴	فقه الحديث.....
۱۱۵	فقه الاداره.....
۱۱۶	۴. بعث.....
۱۱۶	فقه اللغه.....
۱۱۷	فقه القرآن.....
۱۱۸	فقه الحديث.....
۱۲۳	فقه السيره.....
۱۲۳	الف) سیره معصومان (علیهم السلام).....
۱۲۶	ب) سیره متشرعه.....
۱۲۶	ج) سیره عقلاء.....
۱۲۶	فقه الاداره.....
۱۲۹	فصل چهارم: الفاظ بکارگیری
۱۲۹	۱. استیجار.....
۱۲۹	فقه اللغه.....
۱۳۰	فقه القرآن.....
۱۳۱	فقه الحديث.....
۱۳۴	فقه السيره.....
۱۳۴	الف) سیره معصومان (علیهم السلام).....
۱۳۵	ب) سیره متشرعه.....

۱۳۵	 (ج) سیره عقلا
۱۳۶	 فقه الاداره
۱۳۷	 ۲. استعمار
۱۳۷	 فقه اللغة
۱۳۸	 فقه القرآن
۱۴۱	 فقه الحديث
۱۴۳	 فقه السيره
۱۴۳	 فقه الاداره
۱۴۳	 ۳. استعمال
۱۴۳	 فقه اللغة
۱۴۴	 فقه القرآن
۱۴۵	 فقه الحديث
۱۴۵	 فقه السيره
۱۴۵	 الف) سیره معصومان (عليه السلام)
۱۴۶	 ب) سیره متشرعه
۱۴۶	 (ج) سیره عقلا
۱۴۷	 فقه الاداره
۱۴۷	 ۴. ولايت
۱۴۷	 فقه اللغة
۱۵۰	 فقه القرآن
۱۵۱	 فقه الحديث
۱۵۲	 فقه السيره
۱۵۲	 الف) سیره معصومان (عليه السلام) و متشرعه
۱۵۴	 ب) سیره عقلا
۱۵۴	 فقه الاداره
۱۵۶	 جمع بندی واژگان گزینشی

بخش سوم: بهسازی

۱۶۱	 مقدمه
۱۶۱	 اصطناع
۱۶۳	 مراحل اصطناع
۱۶۵	 فصل اول: آغاز از طفولیت (حتی پیش از آن)
۱۶۵	 فقه القرآن
۱۶۶	 فقه الحديث
۱۶۷	 فقه السيره

۱۶۷	فقه الاداره
۱۶۹	فصل دوم: استعدادسنجی
۱۶۹	فقه اللغه
۱۷۱	فقه القرآن
۱۷۲	فقه الحديث
۱۷۳	اخبار مربوط به استعدادیابی
۱۷۶	احکام اولاد
۱۷۶	فقه الاداره
۱۷۹	فصل سوم: آزمون های مکرر و هدفمند
۱۷۹	فقه اللغه
۱۸۰	فقه القرآن
۱۸۳	فقه الحديث
۱۸۳	فقه السیره
۱۸۴	فقه الاداره
۱۸۵	فصل چهارم: امتنان و حمایت دائمی
۱۸۵	فقه اللغه
۱۸۷	فقه القرآن
۱۹۰	فقه الحديث
۱۹۳	فقه السیره
۱۹۳	الف) سیره معصومان (علیهم السلام) و متشرعه
۱۹۳	ب) سیره عقلا
۱۹۴	فقه الاداره
۱۹۵	فصل پنجم: محبوب سازی روشمند
۱۹۵	فقه اللغه
۱۹۵	فقه القرآن
۲۰۰	فقه الحديث
۲۰۰	فقه السیره
۲۰۲	شمایل و کلیات اخلاق پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۲۰۷	فقه الاداره
۲۰۷	جمع بندی اصطناع

بخش چهارم: به گزینی

۲۱۱	مقدمه
۲۱۳	فصل اول: گزینش اصلح
۲۱۳	فقه اللغه

۲۱۳	فقه القرآن.....
۲۱۶	برخی ویژگی صالحان.....
۲۱۹	جمع‌بندی آرا.....
۲۲۱	فقه‌الحديث.....
۲۲۳	جمع‌بندی.....
۲۲۶	فقه‌السیره.....
۲۲۶	فقه‌الاداره.....
۲۲۹	فصل دوم: حکم شرع در گزینش اصلح.....
۲۲۹	فقه القرآن.....
۲۳۰	وجه استدلال.....
۲۳۰	بیان کبری.....
۲۳۱	فقه‌الحديث.....
۲۳۷	جمع‌بندی و اعلام نظر.....
۲۳۹	فقه‌الاداره.....
۲۴۳	فصل سوم: سؤال و جواب.....
۲۴۳	پرسش‌های قاعده «لزوم گزینش اصلح».....
۲۴۴	مسئله ۱: قلمرو این قاعده کدام مناصب و شغل‌های سازمانی را دربر می‌گیرد؟.....
۲۴۴	فقه القرآن.....
۲۴۴	فقه‌السیره.....
۲۴۵	فقه‌الاداره.....
۲۴۸	مسئله ۲: در صورت استنکاف اصلح، گزینش غیر اصلح چه حکمی دارد؟.....
۲۴۹	مسئله ۳: تصدی و پذیرش منصب از سوی غیر اصلح چه حکمی دارد؟ (فارغ از حکم شرعی گزینش‌کنندگان).....
۲۵۰	مسئله ۴: آیا این قاعده و لازمه آن، که طولانی شدن منصب‌هاست، مخالف مردم‌سالاری و نیز شکوفایی استعدادها و جوان‌گرایی نیست؟.....
۲۵۱	مسئله ۵: روش تشخیص اصلح در هر منصب چگونه است؟.....
۲۵۲	مبنای فقهی این گونه مجامع.....
۲۵۲	فقه‌اللغه.....
۲۵۲	فقه القرآن.....
۲۵۳	فقه‌الحديث.....
۲۵۳	فقه‌السیره.....
۲۵۳	فقه‌الاداره.....
۲۵۳	مسئله ۶: آیا در زمان حکومت معصومان (علیهم‌السلام) بی‌کم و کاست اجرا می‌شده است؟.....
۲۵۳	مسئله ۷: آیا اجرای این قاعده به‌طور کامل امکان دارد؟.....
۲۵۴	مسئله ۸: مجمع یا شورای تشخیص اصلح در هر سازمان چه ماهیت و ترکیبی دارد؟.....
۲۵۴	مسئله ۹: در صورت تردید در بقای اصلحیت صاحب منصب، تکلیف چیست؟.....

بخش پنجم: نظریه و نظام

۲۵۹	مقدمه
۲۶۱	فصل اول: نظرات
۲۶۸	احکام خانواده
۲۶۸	استعدادشناسی
۲۶۸	قاعده امتنان
۲۶۹	محبوب‌سازی روشمند
۲۶۹	جمع‌بندی اصطناع
۲۷۰	گزینش اصلح
۲۷۳	فصل دوم: نظریه
۲۷۳	۱. نظریه امتنان
۲۷۳	۱-۱. مبانی بینشی
۲۷۳	۱-۲. مبانی ارزشی
۲۷۴	۱-۳. بنای روشی
۲۷۴	۲. نظریه استعدادسنجی
۲۷۴	۲-۱. مبانی بینشی (لایه بینشی)
۲۷۴	۲-۲. مبانی ارزشی
۲۷۴	۲-۳. بنای روشی
۲۷۵	۳. نظریه امتحان (ابتلا)
۲۷۵	۳-۱. مبانی بینشی
۲۷۵	۳-۲. مبانی ارزشی
۲۷۵	۳-۳. بنای روشی
۲۷۶	۴. نظریه محبوب‌سازی
۲۷۶	۴-۱. مبانی بینشی
۲۷۶	۴-۲. مبانی ارزشی
۲۷۶	۴-۳. بنای روشی
۲۷۷	۵. نظریه سفال
۲۷۷	۵-۱. مبانی بینشی
۲۷۷	۵-۲. مبانی ارزشی
۲۷۸	۵-۳. بنای روشی
۲۷۸	۶. نظریه کنترل موالید
۲۷۸	۶-۱. مبانی بینشی
۲۷۸	۶-۲. مبانی ارزشی
۲۷۹	۶-۳. بنای روشی
۲۸۰	۷. نظریه صف و ستاد

۲۸۰	۱-۷. بینش
۲۸۰	۲-۷. ارزش
۲۸۱	۳-۷. روش
۲۸۱	جمع‌بندی
۲۸۳	فصل سوم: نظامات
۲۸۳	۱. نظام اصطناع
۲۸۳	۱-۱. مبانی
۲۸۳	۱-۱-۱. مبانی بینشی
۲۸۴	۲-۱-۱. مبانی ارزشی
۲۸۴	۲-۱. اصول
۲۸۴	۳-۱. اهداف
۲۸۴	۲. نظام‌گزینش اصلح
۲۸۴	۱-۲. مبانی
۲۸۴	۱-۱-۲. مبانی بینشی
۲۸۵	۲-۱-۲. مبانی ارزشی
۲۸۵	۲-۲. اصول
۲۸۵	۳-۲. اهداف
۲۸۶	۳. نظام انتخاب
۲۸۶	۱-۳. مبانی
۲۸۶	۱-۱-۳. مبانی بینشی
۲۸۶	۲-۱-۳. مبانی ارزشی
۲۸۶	۲-۳. اصول
۲۸۶	۳-۳. اهداف
۲۸۷	قواعد «انتخاب»
۲۹۰	قواعد انتصاب (جلد سوم)
۲۹۲	خاتمه

۲۹۳	منابع و مآخذ
-----	---------------------

نمایه‌ها

۳۰۱	نمایه آیات
۳۰۶	نمایه روایات
۳۱۳	نمایه اشخاص
۳۲۲	نمایه موضوعات

اشاره

در جلد اول این کتاب، چستی فقه‌الاداره، ضرورت پژوهش و تحقیق در این زمینه و ارتباط میان فقه و مدیریت به خوبی روشن شد. در ماهیت فقه‌الاداره گفتیم که آن شعبه‌ای از فقه است که می‌کوشد قواعد مدیریتی را از طریق استنباط احکام اداری به سبک اجتهاد جعفری و جواهری از منبع بی‌پایان فقه به دست آورد. موضوع فقه‌الاداره، فعل سازمانی و متعلقات آن است، یعنی منابع انسانی و منابع مادی و محمول فقه‌الاداره، احکام وضعی و تکلیفی فعل سازمانی و متعلقات آن است.

بنابراین، فقه‌الاداره دانشی است که متکفل تبیین احکام شرع در موضوعات گوناگون سازمانی و مدیریتی، از طریق پاسخگویی به سؤال‌های مدیریتی به شکل استنباطی است. روش فقه‌الاداره برای تبیین مسائل مدیریتی، روشی اجتهادی بوده و همان‌گونه که با شیوه اجتهادی می‌توان حکم فعل مکلف را استنباط کرد، احکام فعل سازمانی را نیز می‌توان با همین روش استنباط کرد؛ پس، فقه‌الاداره در روش و فرایند فقهی و منابع، شعبه‌ای از فقه جعفری و جواهری است برای آشنائی بیشتر با این متد و روش می‌توانید به جلد اول فقه‌الاداره مراجعه بفرمائید.

پیش گفتار

فقه‌الاداره راه‌کار حل معضلات مدیریتی نظام اسلامی است که از طریق استنباط نظرات و نظریات شرع، در موضوع سازمان و مدیریت به غرض طراحی نظام اداری اسلام، سامان می‌یابد. این راه‌کار مبتنی بر اجتهاد جواهری در چهارچوب نقشه فقه جعفری ترسیم می‌شود و ساختار موضوعات و مسائل آن بر نظم و فهرست ویژه‌ای استوار است که به‌عنوان خط تولید این دانش محسوب می‌شود. خروجی این نقشه راه در قالب سریال فقه‌الاداره متشکل از ده‌ها جلد خواهد بود. به فضل الهی در طول هفت سال گذشته موضوعات متنوعی به بوته تدریس گذاشته شده است که اولین جلد آن در قالب معرفی فقه‌الاداره منتشر شد و مباحث انتخاب، انتصاب و نظام جبران به پایان رسیده است و در نوبت انتشار قرار دارند. اکنون نیز مبحث فقه‌التنظیم که فقه سازمان و سازماندهی است در جریان تولید و تدریس است. کتاب حاضر در حقیقت دومین جلد از سلسله فقه‌الاداره است که با عنوان کتاب انتخاب یا فقه‌الانتخاب تقدیم می‌شود که همانند جلد اول با مشارکت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد فقهی مدیریت اسلامی انتشار یافته است. این کتاب ارائه‌دهنده سبک نوینی در پژوهش فقهی است که مطابق ترتیب فقه‌اللغه، فقه‌القرآن، فقه‌الحديث، فقه‌السیره و فقه‌الاداره، کلیه موضوعاتی که مربوط به نظام گزینشی اسلام هستند را در بوته استنباط قرار می‌دهد تا به تحصیل راه‌کارهایی در موضوع انتخاب کارکنان و کارگزاران منجر شود. در این کتاب به پردازش چند نظریه مانند نظریه اصطناع یا کادرسازی، استعدادشناسی و گزینش اصلح همت گماشته شده است و در دو بخش «بهبودی» و «به‌گزینی» کارکنان و مدیران سامان یافته است. دو بخش عمده دیگر از نظام گزینشی اسلام با عنوان «بکارگماری» و «بکارگیری» مدیران به جلد سوم فقه‌الاداره موسوم به

«کتاب انتصاب» موکول می‌شود که پیشتر تولید و تدریس شده است. لازم به یادآوری است که عنوان‌های «انتخاب» و «انتصاب» از مباحث مهم مدیریت منابع انسانی به شمار می‌روند. امید آنکه، با یاری پروردگار این خط تولید در بنیاد فقهی مدیریت اسلامی ادامه داشته باشد تا تمامی موضوعات در حوزه دانش مدیریت به بوته اجتهاد نهاده شود و به سامان برسد؛ شایسته است از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و گروه مدیریت آن، که به ریاست دکتر ابوالفضل گایینی اداره می‌شود کمال سپاسگزاری را داشته باشیم و از اعضای محترم بنیاد فقهی مدیریت اسلامی که با حوصله و انگیزه در پای درس حاضر می‌شوند نیز تقدیر کنیم، به‌ویژه از حجت‌الاسلام یونس نویدی معاونت محترم پژوهشی این بنیاد که در پردازش این جلد اهتمام بلیغ داشتند، تشکر ویژه کنم. این کتاب به انضمام جلد بعدی که کتاب انتصاب است، می‌تواند منشأ تحولی در نظام گزینشی کشور باشد، به خصوص اگر مباحث آن به قانون تبدیل شود که تمهیدات آن با کمک مسنولان مربوطه در حال تدبیر است، ان شاء الله.

والعاقبه للمتقين

سید صمصام الدین قوامی

اسفند ۱۳۹۳ - جمادی الاولى ۱۴۳۶

مقدمه

جلد اول این سلسله مباحث، نگاهی فلسفی و کلی به ماهیت فقه‌الاداره داشت و هیچ ورودی به فقه نبود و بحث‌ها همه کاتالوگی بودند و به تنظیم و تشکیل فقه‌الاداره توجه می‌شد؛ اما در این جلد، مباحث رفته‌رفته فقهی شده‌اند و شیوه اجتهادی و استنباطی برای استخراج قواعد مدیریتی به کار گرفته می‌شود.

برای شروع بحث باید به چند نکته توجه کرد؛ مدیریت، چنان‌که در جلد پیشین^۱ گذشت، دارای چهار محور (۱. مبانی مدیریت؛ ۲. مدیریت منابع انسانی؛ ۳. مدیریت رفتار سازمانی؛ ۴. مدیریت فرهنگ سازمانی) و دو عرصه (عام و خاص) است. در میان محورهای مدیریتی، مدیریت منابع انسانی به لحاظ آماده‌تر بودن از حیث ورود به منابع اسلامی و بودن فضائی وسیع‌تر بر بحث فقهی و همچنین اهمیت بیشتر این محور در میان محورهای مدیریتی و توجه ویژه‌ای که در منابع اسلامی نسبت به نیروی انسانی شده، ما را بر این داشت که شروع روش فقهی و اعمال روش استنباطی در مدیریت و فقه‌الاداره را از این محور آغاز کنیم. در واقع، فقه برای پذیرش مدیریت منابع انسانی مهیا تر بوده و قابلیت بیشتری دارد.

در فرایندی که مدیریت منابع انسانی به خود اختصاص داده است، مانند گزینش، حقوق و دستمزد، ارزیابی عملکرد، آموزش و...، ابتدای بحث فقهی، از گزینش خواهد بود و آن به علت اهمیت و حساسیتی است که وجود دارد. (البته پیش از ورود به مباحث فقهی در فرایند گزینش و تفصیل این بحث، کلیاتی از مدیریت منابع انسانی یعنی خاستگاه مبحث گزینش و نیز خود موضوع گزینش، مباحثی مطرح خواهند شد).

۱. قوامی، فقه‌الاداره ۱، ص ۳۸.

بخش اول: کلیات

فصل اول

روش‌شناسی

مراد، روش‌شناسی ویژه است؛ البته در جلد نخست فقه‌الاداره، روش‌شناسی فقه‌الاداره به شکل عام طرح شده است و اکنون از آن به شکل خاص و تفصیلی و مخصوص بحث می‌کنیم.

۱. فقه‌الاداره، به معنای فقه اکبر است که شامل استخراج احکام در سه عرصه بینشی، ارزشی و روشی است. کاری که در کلام، اخلاق و احکام می‌شود در اینجا انجام می‌گیرد؛ فقه‌الکلام، فقه‌الاخلاق و فقه‌الاعمال مشمول فقه‌الاداره هستند؛ از این‌رو در این مباحث شاهد ادبیات سه‌وجهی خواهیم بود که نمونه‌هایی از آن را در جلد نخست ملاحظه کردیم؛

۲. در روش طولی، ما در هر مسئله به ترتیب از فقه‌اللغه، فقه‌القرآن، فقه‌الحديث، فقه‌السیره و فقه‌الاداره، بحث می‌کنیم. مراد از فقه مضاف، معنای لغوی آن و به معنای فهم است. فهم لغت، فهم قرآن، فهم حدیث، فهم سیره و فهم اداره. البته فهم دقیق و موشکافانه و فقیهانه مراد است که اینک به شرح هریک می‌پردازیم:

۱. فقه‌اللغه^۱

این اصطلاح در ادبیات حوزوی به‌طور کامل جا افتاده و مترادف مفهوم‌شناسی و شامل لغت و اصطلاح است که از اهل لغت و فن در مفهوم‌شناسی کمک گرفته می‌شود. بعضی فقه‌اللغه را

۱. فقه‌اللغه «از نگاه لغوی به معنای درک دقیق لغت است، مراد ثعالبی نیز چنین بوده؛ تصویری روشن و دقیق از الفاظ متشابه، ولی بعدها این کلمه از نام کتاب به نام شاخه‌ای از علم‌اللغه تغییر اصطلاح داد و اصطلاح معروف «بررسی فقه‌اللغه‌ای» به معنای تحلیل دقیق معناهای متشابه شد، این اصطلاح نادرست رواج بسیاری پیدا کرد و اکنون در حوزه‌های ما نیز بسیار پر کاربرد است، مشکل اصلی از اینجا ناشی می‌شود که «فقه‌اللغه» خود دانشی ←

دانش فراموش شده می‌دانند. معروف‌ترین کتاب در این زمینه، اثر ثعالبی^۱ است که مترجمان کتاب او را در فقه‌اللغه به زبان‌شناسی ترجمه کرده‌اند. در حقیقت فقه‌اللغه، زیر مجموعه دانش‌های زبانی است که بعضی آن را مترادف علم‌اللغه، واژه‌شناسی و زبان‌شناسی گرفته‌اند که به دقت‌ها و زیبایی‌های زبان عربی از طریق شناخت واژگان عربی می‌پردازد، که در قالب نظم و نثر و بلاغت می‌آید و بعضی دامنه آن را توسعه داده و شامل مباحث الفاظ در علم اصول فقه قرار می‌دهند برخی نیز چنین تعریفی ارائه می‌کنند که:

فقه، دانستن چیزی و فهم آن، مهارت و هوشیاری، دانش احکام شرعی از ادله تفصیلی

→ مستقل در زیر مجموعه دانش‌های زبانی است که هم عرض واژه‌شناسی یا همان علم‌اللغه است و این جایگزینی باعث شد این دانش بسیار مهم مغفول واقع شود!
فقه‌اللغه که تقریباً معادل اصطلاح زبان‌شناسی است به دانشی گفته می‌شود که زبان را به مثابه یک موجود تاریخی و یا یک موجود زنده مورد بررسی قرار می‌دهد، به‌طور مثال فقه‌اللغه عربی در مورد زبان عربی این مسائل را مطرح می‌کند:

– منشأ زبان عربی و ریشه‌های آن – لهجه‌ها و گویش‌های مختلف

– بررسی شیوه‌های گردآوری لغات و تدوین کتاب‌های لغوی و دستوری (نحو و صرف)

دانش فقه‌اللغه در میان مسلمانان سابقه‌ای طولانی دارد، مسلماً کتاب الخصائص ابن‌جنی یک فقه‌اللغه به معنای واقعی کلمه است هرچند این قبیل مسائل در کتاب‌های سیبویه و مبرد نیز به صورت جسته‌گریخته دیده می‌شود ولی ابن‌جنی و ابن‌فارس در این زمینه به معنای امروزی این دانش صاحب اثری البته با نگاه کلاسیک زبان‌شناسی هستند، با این حال به‌خاطر همین اشتباه در اصطلاح این دانش رفته‌رفته از میان جوامع علمی سنتی مانند حوزه‌های شیعی دور شد، به‌گونه‌ای که امروز صحبت از تحقیقات جدید در زمینه فقه‌اللغه همه به معنای تحقیقات و نتایج جدید در زمینه آنچه ثعالبی نوشته بود پنداشته می‌شود و این دانش ارزشمند تماماً در محاق رفته است.

دانش فقه‌اللغه و رای ارزش ذاتی بسیار زیادی که دارد و تصویر ما از زبان و به تبع آن برخی مسائل معرفت‌شناسی را بسیار تصحیح می‌کند، به‌عنوان علمی مقدماتی نیز ارزشی بسیار زیاد دارد و تقریباً می‌توان گفت که تمام مباحث الفاظ در علم اصول زیر مجموعه این دانش (خصوصاً در نگاه کلاسیک) هستند، دانشی که معرفی آن و اشاره به پیشرفت‌های آن در یکصد سال اخیر مقالی جدا می‌طلبد ولی مهم‌تر آنست که بدانیم دانشی با اهمیتی بسیار و رای یک خلط اصطلاح از دست رفته است. آدرس: www.rahigh.ir.

۱. فقه‌اللغه و سرالعریه مشهورترین اثر ابومنصور ثعالبی (بزرگ لغوی قرن پنجم و متوفای ۴۲۹) درباره زبان‌شناسی است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و موضوع آن شناخت توانایی‌های زبان عربی از نظر شمیه و نامگذاری برای پدیده‌های طبیعی، انسان و صفات و ویژگی‌ها و اعمال و اجزاء و جوارح حیوانات و خصایص ذاتی و فطری و جسمی آن‌هاست که مؤلف آن را در ۳۰ باب و هر بابی را در چندین فصل تنظیم نموده است. کتاب وی به ما در تصحیح برداشت از الفاظ متقاربه‌المعنی کمک می‌کند و از این رو آن را می‌توان از سویی یک کتاب تصحیح لغوی دانست و از سوی دیگر یک معجم موضوعی.

است و «فقه اللغة»: آموزش علمی زبان و دانستن آن از راه تحلیل مُتون نقدی، زبان‌شناسی است.^۱

آنچه ما در روش‌شناسی فقه‌الاداره داریم واژه‌شناسی و واژه شکافی است و درک دقیق معنای لغت با این رویکرد که فقه، فهم دقیق است. در حقیقت ما «لغت» را به معنای زبان نمی‌آوریم بلکه مراد «فقه‌اللفظ» یا «فقه‌الالفاظ» است.

۲. فقه‌القرآن

مراد، فهم دقیق قرآن است که با توجه به علوم قرآنی، از جمله تفسیر به‌دست می‌آید. در هر فرعی آیه یا آیاتی به‌عنوان دلیل وجود دارند که باید خوب فهمیده شوند و البته فقه‌القرآن با آیات الاحکام، یا احکام‌القرآن، یا فقه‌القرآنی مصطلح تفاوت دارد که تعداد خاصی از آیات را مخصوص احکام شرعی می‌داند. در فقه‌الاداره همه آیات قرآن به‌نوعی احکام اداره حساب می‌شوند. در نظریه فقه‌الاداره همه آیات حامل حکمی-کلامی، اخلاقی و رفتاری هستند که هرکدام از این احکام بُعدی از مدیریت را می‌سازند. بنابراین، فقه‌القرآن، درک دقیق پیام‌های اداری و سازمانی آیات مورد نظر، در یک موضوع مشخص مدیریتی است.

شیوه فقها آن است که در هر مسئله فقهی پس از روشن کردن و به اصطلاح تحریر محل نزاع، بلافاصله به آیات قرآن به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل تفصیلی احکام رجوع کنند. مراد ما از فقه‌القرآن چنین رجوعی به قرآن است که نسبت آن با تفسیر قرآن «عموم و خصوص من وجه» است؛ زیرا مفسر لزوماً به دنبال حکم فقهی نیست و فقیه تنها در صدد کشف قناع از مفهوم آیه نیست و البته ممکن است ضرورتاً به این امور بپردازد، چنان‌که قطب راوندی^۲ در فقه‌القرآن فی

1. www.almaany.com.

۲. فقه‌القرآن فی شرح آیات الاحکام، نگاشته قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله راوندی کاشانی (م ۵۷۳ هـ)؛ این کتاب به گونه‌ای به سامان و خوشایند، نگارش یافته و در بردارنده همه باب‌های معروف و متداول فقه است. یعنی از کتاب طهارت آغاز شده و با کتاب دیات، پایان می‌پذیرد. این کتاب، از جمله کتاب‌های نفیس، سودمند و جامعی است که از مقام بزرگ و جایگاه بلند نویسنده آن در علوم دینی، پرده برمی‌دارد.

قطب‌الدین راوندی، در آغاز فقه‌القرآن، انگیزه خود را از نوشتن کتاب چنین بیان می‌کند: «آنچه مرا وا داشت گردآوری این کتاب را آغاز کنم آن بود که در میان علمای قدیم و جدید اسلام، کسی را نیافتم که به نگارش کتابی مستقل براساس فقه قرآن مبادرت ورزیده باشد، از این روی، به صلاح دیدم ←

شرح آیات الاحکام، خود از تفسیر تبیان شیخ طوسی و استبصار او همواره بهره گرفته است و بسیاری از مؤلفان فقه القرآن، قلم تفسیر به‌دست گرفته و برخی مفسران به استخراج حکم شرعی از آیات همت کرده‌اند. ما هم از این قاعده مستثنا نیستیم و در فقه‌القرآن این کتاب، ممکن است در حد ضرورت به تفسیر آیه پردازیم؛ هرچند که در تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن با رویکرد مدیریت^۱ به مقدار نیاز نگاهی فقیهانه داشته و داریم.

۳. فقه‌الحديث

مراد، درک عمیق حدیث است، فهم حدیث از لحاظ محتوا و بررسی حدیث از جهت سند در دو بعد درایه و رجال. هرچند بعضی فقه‌الحديث را هم عرض علم رجال و علم درایه سه دانش شمرده‌اند،^۲ اما در فقه‌الاداره هر سه دانش تحت یک عنوان «فقه‌الحديث» به کار گرفته می‌شوند

→ کتابی در فقه القرآن تألیف کنم، کتابی که بر حسب مبانی آن، از دیگر کتاب‌ها بی‌نیاز کننده باشد و خواننده، معانی آن را بفهمد».

او در همین جا، تعهد خود را به دوری جستن از قیاس و اجتهاد نادرست یادآور می‌شود و در پایان کتاب، خود را در انجام آنچه که در آغاز بدان متعهد شده، موفق می‌بیند و می‌نویسد: «وقد وفیت بعون الله بما شرطت فی صدر الکتاب».

قطب راوندی در بسیاری مسائل از دو فقیه یاد شده، به‌ویژه شیخ، پیروی می‌کند، بلکه گاه عبارت آن دو را بی‌هیچ کم‌وکاستی، می‌آورد. البته این بدان معنا نیست که قطب راوندی در این کتاب، از خود رأی و نظر جدیدی ندارد، بلکه او در مسائل بزرگ، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های ارجمندی دارد که از توان بزرگ علمی او نشأت گرفته‌اند. از جمله ویژگی‌های این کتاب، کوشش نویسنده در گردآوری میان آرا و دیدگاه‌ها، به‌ویژه دیدگاه‌های تفسیری است. او می‌کوشد تا حد توان میان دیدگاه‌های گوناگون جمع کند؛ از این روی، پاره‌ای از آرا را می‌بینیم که در کتاب‌های فقهی، مورد اختلاف و تضارب افکار هستند، ولی وقتی در این کتاب از آنها بحث می‌شود، به نقطه جمع می‌رسند و اختلاف آنها برطرف می‌شد. ویژگی دیگر کتاب فقه القرآن، این است که در آن مسائل مورد اختلاف میان شیعه و سنی گردآمده و نقد و بررسی شده‌اند (کلاتری، «پیدایش و ظهور کتاب‌های فقه‌القرآن»، مجله فقه، ش ۱۷).

۱. کتاب تفسیر موضوعی قرآن با رویکرد مدیریت، از سوی نگارنده تدوین و در بنیاد فقهی مدیریت اسلامی تدریس شده و در دانشگاه معارف به‌عنوان کتاب درسی تدریس می‌شود و به سفارش همین دانشگاه تدوین شده است و همچنین در مؤسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی نیز به‌عنوان کتاب درسی در مقطع دکترا تدریس می‌شود و نیز تفسیر ترتیبی قرآن با رویکرد مدیریت، تا پایان سوره حمد تولید و در بنیاد یاد شده تدریس شده است. امید است این تولید و تدریس تا پایان قرآن ادامه یابد.

۲. فهم حدیث با فقه‌الحديث (پایگاه اطلاع رسانی مجمع الصادقین <http://www.sadeghin.com>).

فقه‌الحديث، علمی است که با بررسی متن حدیث و به‌وسیله آموزش سیر منطقی فهم حدیث در فهم مقصود معصوم (علیه السلام) ما را یاری می‌رساند.

و حدیث در ابعاد: محتوا، رجال و درجه ارزشی آن، بحث می‌شود؛ کاری که فقها به‌طور معمول در برخورد با احادیث به‌عنوان مهم‌ترین دلیل بعد از قرآن محاسبه می‌کنند. البته اکنون فقه الحدیث از زیر شاخه‌های علم الحدیث یا علوم حدیث شمرده می‌شود که دانشکده و پژوهشکده خاص خود را دارد، ولی درنهایت، محصولات آن در خدمت فقیه قرار می‌گیرند و فقیه می‌تواند از دانش‌های متعدد علوم حدیث، مانند رجال، درایه، هرمنوتیک،^۱ سمانتیک و

→ این علم با ارائه مبانی و آموزش سیر منطقی فهم حدیث که از قواعد ادبی، اصولی، کلامی و دیگر قوانین عقلی و عقلانی استخراج شده‌اند ما را یاری می‌دهد معنایی را که معصوم (علیه السلام) در نظر داشته را درک کنیم و به آن مقصود وی برسیم.

امام صادق (علیه السلام) در سخنی، فهم حدیث را مهم‌تر از نقل کردن روایت می‌دانند: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَ إِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۸۵)؛ اگر حدیثی را خوب بفهمی بهتر از آن است که هزار حدیث را روایت کنی و هیچ کدام یک از شما فقیه و دانشمند نمی‌شود تا اینکه سخنان کنایی و سر بسته ما را بفهمد چراکه گاه سخنان ما هفتاد تفسیر دارد که برای توجیه هریک از آنان پاسخی در نزد ماست.

منظور از تشخیص حدیث صحیح این است که برخی احادیثی که دارای سند مورد قبولی نیستند و گاه حتی سند آنها در طول تاریخ از بین رفته است، با کمک این علم و بررسی محتوای متن آن می‌توانیم آن را منتسب به معصوم (علیه السلام) بدانیم که این عمل خود پیچیدگی خاصی دارد.

در ضمن با دانستن این علم می‌توان میان احادیث متعارض، به گونه‌ای جمع کرد که از همه آنها معنایی واحد به دست آورید.

فقه الحدیث که در میان علوم حدیثی به «علم اعلی» شناخته می‌شود، خود از چند زیرشاخه تشکیل شده است که دانستن همه این دانش‌ها، لازمه ملکه شدن این علم است؛ از جمله: غریب الحدیث، اسباب ورود، اختلاف الحدیث، علل الحدیث و نقد الحدیث. برای مطالعه بیشتر به سایت مراجعه فرمائید.

۱. هرمنوتیک (Hermeneutics) یا علم تأویل، تأویل‌شناسی، یا زندشناسی، دانشی است که به «فرایند فهم یک اثر» می‌پردازد و چگونگی دریافت معنا از پدیده‌های گوناگون هستی، اعم از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌کند. دانش هرمنوتیک با نقد روش‌شناسی، می‌کوشد تا راهی برای «فهم بهتر» پدیده‌ها ارائه دهد؛ اگرچه گروهی از نظریه‌پردازان هرمنوتیک، با ایجاد و تبیین «روش» در مسیر فهم مخالف هستند و «فهمیدن» را یک واقعه می‌دانند که قابل اندازه‌گیری و روش‌مندسازی نیست. به زبان ساده‌تر، تأویل‌شناسی به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا روش و راهکاری وجود دارد، تا خوانندگان یک متن، یا بینندگان یک اثر هنری، با به‌کارگیری آن روش، به دریافت معنای ثابت و مشخصی از آن اثر یا متن دست یابند؛ یا اینکه درک و فهم هر مخاطبی مختص اوست و با دیگری تفاوت دارد. در برابر واژه هرمنوتیک، بیشتر از کلمه «تفسیر» یا «تأویل» استفاده می‌شود؛ هرچند این دو لفظ، ترجمه‌های مناسبی برای واژه هرمنوتیک نیستند. (آشوری، فرهنگ علوم انسانی).

معناشناسی^۱ و فهم متن در تفقه خویش بهره گیرد در حقیقت همه این دانش‌ها مقدماتی بوده و

۱. سماتیک اسامی خاص، یکی از موضوعات مهم در فلسفه منطق است. مشهورترین نظریه‌ها در این باب آرای میل، فرگه، راسل و کریکی هستند که به نظر اخیر در دلالت اسم خاص بر مدلولش به ناچار باید از بعضی اوصاف استفاده کرد. این اوصاف، درست یا غلط، به کمک عقیده کار بر اسم خاص مدلول را معین می‌سازند، اگر چه ارائه دهنده معنای آن اسم نیست. البته این تحلیل یک تحلیل سماتیکی محض نیست و مؤلفه‌های پراگماتیکی هم در آن وجود دارد (حجتی: «سماتیک اسامی خاص» نامه مفید، اردیبهشت ۱۳۸۴، ش ۴۷). «معنی‌شناسی» تحت سه عنوان کلی بررسی می‌شود:

اول، معنای سماتیک و معنای پراگماتیک (Pragmatic Meaning & Semantic)؛ معنای سماتیک، معنایی است که نشانه یا ترکیبی از نشانه‌ها فی‌نفسه و بیرون از سیاق دارد. این همان معنایی است که واژه در فرهنگ لغت دارد. معنای پراگماتیک، معنایی است که نشانه در کاربرد پیدا می‌کند. این نوع معنا با قصد کاربران و موقعیت و شرایط کاربرد ارتباط دارد؛

دوم، معنای صریح و ضمنی (Implicit Meaning & Explicit)؛ معنای صریح، همان معنایی است که از لفظ و ظاهر آشکار پیام و به‌طور یکسان از سوی همه فهم می‌شود. معنای صریح را با عباراتی چون «معنای مبتنی بر تعریف»، «معنای تحت اللفظی»، «معنای بدیهی» یا «معنای مبتنی بر دریافت عام» توصیف کرده‌اند. معنای صریح، مرادف با همان معنای سماتیک است که گذشت.

همچنین هر متن، معنایی نهانی، درونی، کم و بیش معلوم و در نتیجه عینی دارد و این چرا از منظور آشکار فرستنده یا تفسیر گزینشی دریافت‌کننده است؛ این معنی را معنای ضمنی یا تلویحی می‌نامند. برای مثال، دلالت اولیه تصویر یک سگ ولگرد و کثیف در یک محله، خود سگ به‌عنوان یک حیوان است، اما دلالت ضمنی آن، کیفیت زندگی مردم ساکن در این محله (زندگی سگی) است. معنای ضمنی، یکی از مصداق‌های معنای پراگماتیک است؛ چنان‌که معنای منوی و معنای علی که در ادامه ذکر خواهند شد نیز می‌تواند از اقسام معنای پراگماتیک باشند.

به‌طورکلی، معنای صریح دارای خاصیت عمومیت (یک معنا برای همگان) و عینیت (دربرگیرنده مفاهیم بدون ارزش‌گذاری) است، اما معنای ضمنی هم برحسب فرهنگ دریافت‌کننده و هم نوع ارزش‌گذاری (جهت مثبت یا منفی) فرق می‌کند؛

سوم، معنای تفسیری (معنای منوی، معنای علی)؛ هر داللی دارای یک معنای مفهومی است که همان معنای صریح است که در بخش قبل به آن پرداخته شد، اما در کنار این معنای مفهومی و صریح، یک سطح معنایی دیگر به نام منظور و نیت ارتباط‌گر وجود دارد و یک سطحی به نام علت رفتار او. این دو سطح، در کنار سطح معنای ضمنی که در سطرهای قبل ذکر شدند، از تبیین‌های مهم درباره ارتباطات پیچیده انسانی و نیز ارتباطات رسانه‌ای مدرن و تبلیغات امروزی هستند.

اسپربر و ویلسون معتقد بودند: «افراد پیام‌ها را فقط برای ارجاع‌ها بیان نمی‌کنند، بلکه رسیدن به مقاصد هم مورد توجه است. در ارتباط، مشکل اساسی گوینده، تفهیم یا رساندن منظور یا قصد و نیت اوست و مشکل اصلی شنونده، درک صحیح آن منظور است». نیت براساس محیط‌شناختی خاصی که گوینده به‌عنوان فرض‌های پیشین در پیام‌سازی به کار می‌برد، قابل تشخیص است. گفتنی است که معنای منوی و معنی ضمنی در مواردی می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند.